

پیام‌های پوشیده

نگاهی به فیلم «رؤیاشهر» اثر محسن عنایتی



ضمیر ناخودآگاه کودک را مدنظر قرار می‌دهد. در بخش دوم فیلم، مسئله تجاوز به خاک سرزمین‌های دیگر با پرهیز از هرگونه اشاره مستقیم و شعاری مورد توجه قرار می‌گیرد که همین پوشیده‌بودن پیام‌ودر لفافه‌بیان‌شدن آن، از نقاط قوت مهم این اثر به‌شمار می‌رود. از منظر ساختار فنی و هنری نیز، «رؤیاشهر» انیمیشنی سرحال، پراتفاق و رنگارنگ است که تماشایش مخاطب کودک را خسته نمی‌کند.

یکی از انیمیشن‌های حاضر در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۲، «رؤیاشهر» بود که با ساختاری پرافت و خیز و کیفیتی خوب در مؤلفه‌های فنی تولید شد. اثر محسن عنایتی یک انیمیشن جذاب است که خط آموزشی خودش را در پنهان‌ترین لایه ممکن پیگیری می‌کند. قصه «رؤیاشهر» روایت بخشی از زندگی کودکی به نام آرات را برعهده دارد که گذشته مجهولش را پشت سر می‌گذارد و قصد دارد با انجام عملیات ربودن یک گوی از شهر هم جواری که به شناسا شهر موسوم است، قهرمان شهر خودش، یعنی رؤیاشهر شود. «رؤیاشهر» دو وجه آموزشی مهم را در دو نیمه خود دنبال می‌کند. نخست اینکه به بچه‌ها می‌آموزد ظرفیت‌های خدادادی و استعدادهای ذاتی از اهمیت چندانی در مسیر نیل به موفقیت برخوردار نیستند. این موضوع، در قالب تمثیلی شاخ داشتن طراحی شده است و

سینماگران شهرمان، نقاط قوت و ضعف بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر را بررسی می‌کنند

افت کیفی آثار در جشن همدلی سینما

رحانه موسوی

بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر در مشهد به پایان رسید. در این رویداد، مشهد با افزایش تعداد سینماهای اکران آثار، توانست دوشادوش تهران حرکت کند.

هرچند بعد از ۲۱سال برگزاری، این جشنواره مشکلات خودش را دارد و هنوز نتوانسته است به جشنواره مردمی مطلوب تبدیل شود. حضورندانشتن صاحبان آثار و نبود جلسات نقد و بررسی فیلم‌ها، مهم‌ترین موضوعی است که منتقدان و فیلم‌سازان حاضر در جشنواره فیلم فجر مشهد به آن گله‌مندند و آن را عامل مهم تفاوت رونق جشنواره می‌دانند.

● لزوم خانواده‌محورشدن سینما

سید مجید امامی، دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور که برای بررسی روند بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر در مشهد حضور داشت، در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآر می‌گوید: این رویداد که بیش از دوده‌آب برگزاری آن می‌گذرد، یک پیام بسیار بزرگ دارد؛ در سینما نه با گیشه‌گرایی اتفاق بزرگی رخ می‌دهد و نه با خاص‌گرایی و ناب‌گرایی آثاری که موردپسندیک‌گروه بسیار اندک است. وی با بیان اینکه سینما یک هنر و صنعت فراگیر و بسیار قدرتمند در جهان امروز است، ادامه می‌دهد: اگر سینما بخواهد در زیست بوم جامعه ایران موفق شود، باید خانواده‌محور باشد. پیدا کردن مخاطبان جدید برای سینما ارزش جشن‌گرفتن دارد و جشنواره فجر باید فرصتی باشد تا آن دسته از گروه‌های اجتماعی که به هر دلیل صدایشان در جامعه شنیده نشده است، مورد توجه قرار گیرند. وی یادآور می‌شود: ماگروه‌های زیادی داریم که در طول سال به سینما نمی‌روند و بر اساس نظرسنجی‌ها، به ۶۰درصد جامعه‌راتشکیل می‌دهند. وظیفه‌مادر مرکز رصده فرهنگی کشور این است که این موضوع را با سیاست‌های سینما پیوند دهیم. اگر برای این ۶۰درصد متناسب با سلیقه، وضعیت خانوادگی، فرهنگی و زمانی خودشان آثاری در سینماها باشد، با سینمایی روبه‌رو می‌شویم که می‌تواند به جای ۲۰۰میلیارد تومان، هزار میلیارد تومان بفروشد. امامی می‌گوید: اگر ما تا یک می‌کنیم بعد از چند سال شیوع و ویروس کرونا و برخی خودتحریمی‌ها، در سال ۱۴۰۲ بهاری در سینما اتفاق افتاده که آثاری با فروش ۲۰۰میلیارد تومانی در سینمای ایران دیده شده است، باید توجه کنیم که این موضوع محصول توجه کمتر از ۳۰درصد جامعه‌فعال فرهنگی و خانواده‌های ایرانی است. وی اضافه می‌کند: ما در دولت تمایل داشتیم به جای سه اثر پویانمایی، شش اثر حضور داشته باشد تا



خانواده‌های بیشتر در جشنواره‌فعال باشند. آثار پویانمایی زمانی می‌فروشند که در عرصه‌های مختلف با نیازهای زندگی کودک و نوجوان از اسباب‌بازی و نوشت افزار گرفته است تا هدایا و نمادها پیوند بخورند. دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور در ادامه بیان می‌کند: بعد از حضور و موفقیت جدی‌تری که سینمای کودک و نوجوان در اواخر دهه ۷۰ و ۸۰ داشت، می‌توانیم دهه آینده را دهه ظهور ایران به عنوان قدرت پویانمایی بدانیم؛ زیرا کشورمان از لحاظ علمی و فناوری بسیار رشد کرده است و اکنون در شهر مشهد، هنرمندان برای کشورهای خارجی آثار پویانمایی تولید می‌کنند. وی در پایان اظهار می‌کند: یکی از ابعاد جدی جشنواره فیلم فجر برای من، تقویت سینمای کودک و نوجوان در مشهد است و یک فیلم خوب نیز در این زمینه دارند. برای حضور عوامل و صاحبان آثار در شهر مشهد، باید حمایت‌های مالی خاصی از آن‌ها شود و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی هیچ مانعی برای حضور صاحبان آثار در شهرستان‌ها وجود ندارد.

● تگاهی به جشنواره فیلم فجر مشهد از سال ۱۳۸۲ تا کنون سید محمد‌های عرفانیان تهرانی، پژوهشگر و نویسنده و منتقد سینما، نیز در گفت‌وگو با شهرآرآ می‌گوید: در سال ۱۳۸۲ وقتی برای برگزاری جشنواره فیلم فجر در مشهد تصمیم‌گیری شد، دو نفع داشت؛ نخست اینکه قرار بود بخشی از فیلم‌هایی که در مشهد اکران می‌شوند، در همین شهر آرای داوران را هم بگیرند. دوم اینکه قرار بر این بود درباره حضور عوامل هر فیلم نیز برنامه‌ریزی شود تا یک کارگاه آموزشی برای علاقه‌مندان شکل بگیرد و در زمینه



ساختارها، محتوا، سناریونویسی، تکنیک‌های ساخت و... اطلاعات کسب کنند، زیرا رفتن به تهران و ارتباط با عوامل سخت است. این تحول ایجاد شد و یک دهه اول جشنواره به همین شکل پیش رفت و به شدت از سوی تهران حمایت می‌شد. وی تصریح می‌کند: ماسال‌ها آرای مردمی را در مشهد داشتیم، چون سلیقه مردم مشهد شبیه تهران و دیگر شهرها نبود؛ در مشهد فرهنگ رضوی غنی شده داریم، عرفانیان بیان می‌کند؛ امسال زحمات بسیار زیادی کشیده شد تا سینما آفریقا، مختص مجموعه بزرگی از علاقه‌مندان سینما و اهالی رسانه شود. این امر بسیار مهم است. ما سال‌ها این مشکل را داشتیم و علاقه‌مندان پس زده می‌شدند. اکنون به سینما آفریقا کاخ جشنواره می‌گوییم. وی یادآور می‌شود: اکنون اگر بخواهیم به گذشته برگردیم، نیازمند حضور حداقل عوامل پنج فیلم در جشنواره فیلم فجر مشهد هستیم تا طلوعی برای کارگاه‌های آموزشی و ارتباطات اجتماعی باشد و علاقه‌مندان بتوانند دوباره به آن حد و حدودی که جایگاه تبیین سینماست، بازگردند. این منتقد سینما کیفیت فیلم‌های حاضر در جشنواره را به شدت افت‌کرده می‌داند و معتقد است: فیلم اولی‌ها باید این موضوع را به خاطر داشته باشند که مانند یک راننده اتوبوس هستند و اگر بخواهند بد رانندگی کنند، مسافران از بین خواهند رفت؛ پس نباید بگویند تازه کار هستند.

عرفانیان بیان می‌کند، ما در زمینه پیوست فرهنگی و حرفش نرم‌افزاری، ساختار سینما را داریم. یعنی سینما رسانه هزاره سوم است و به هیچ وجه نمی‌توانیم منکر آن شویم. مثلاً در هالیوود سینماها سیاست‌های آمریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهند. سینما را باید درست، ژرف و در همه شکل و ساختار دید. اگر نتوانیم رنگ، هارمونی، ملودی، اکت و... را درست ببینیم، دلیلی برای ساخت



محمد عنبرسوز
منتقد سینما

در سالی که جشنواره فیلم فجر بیشترین تعداد انیمیشن را داشت، «شمشیر و اندوه» یک اثر متفاوت با انیمیشن‌های مرسوم است. از فیلمی حرف می‌زنیم که در مؤلفه‌های فنی و بصری بسیار جذاب به نظر می‌رسد، اما از لحاظ فیلم‌نامه و مضمون آن قدر ضعیف و کهنه است که می‌تواند اثر منفی داشته باشد. گفته شده انیمیشن «شمشیر و اندوه» با بهره‌گیری از هوش مصنوعی تولید شده است که به نظر می‌رسد همین موضوع مایه تفاوت آن با دیگر انیمیشن‌های ایرانی است. این فیلم از منظر ساختار فنی و کیفیت جلوه‌های بصری، محصولی بسیار با کیفیت و چشم‌نواز است که تا حدی به بازی‌های رایانه‌ای شباهت دارد. کیفیت رنگ آمیزی و طراحی جزئیات در این اثر چشمگیر است و بدین ترتیب، پوسته اثر کاملاً به مذاق مخاطب کودک و نوجوان خوش می‌آید. «شمشیر و



اندوه» اما از منظر محتوایی ناامیدکننده و خام از آب درآمده است. قصه این اثر به واقعه عاشورا در بازه زمانی پس از شهادت امام حسن مجتبی^(ع) تا ورود امام حسین^(ع) به سرزمین کربلا روایت می‌شود. شخصیت‌های ایرانی این انیمیشن طوری طراحی شده‌اند که ارتباط بین مضامین ملی و آموزه‌های دینی را بازنمایی‌کنند. با این حال، فیلم‌ساز در ارائه یک دریافت تاریخی مشخص ناکام می‌ماند

ناسازگاری در جهان کارتونی

نگاهی به فیلم «شمشیر و اندوه» اثر عماد رحمانی و مهرداد محرابی

و نمی‌تواند مرز بین نقاط اتکایش را به دقت معین کند. بزرگ‌ترین اشکال طراحی قصه انیمیشن «شمشیر و اندوه»، شکل‌گیری آن بر اساس الگوی مثلث عشقی است که نه با یک اثر یا مخاطب سنی کودک و نوجوان متناسب است و نه با مضمون اثر هم‌خوانی دارد. کیفیت ضعیف نگارش دیالوگ‌ها نیز به طوری که در برخی لحظات از فرط تصنعی و بی‌دقت بودن، مخاطب را دل‌زده می‌کند. در مجموع، عماد رحمانی و مهرداد محرابی به خوبی از پس انجام کاری که در ظاهر سخت تر است، برآمده‌اند و اثری با مختصات بصری و فنی آبرومند را تولید کرده‌اند؛ اما در طراحی یک قصه معمولی و نگارش دیالوگ‌هایی ساده که برای مخاطب کودک و نوجوان قابل درک باشد، نامتبحر نشان داده‌اند.

دیدن فیلم نبود که آن‌ها را به سینما رفتن تشویق می‌کرد. اکنون شاید یک فیلم آن‌ها را جذب کند، اما فضا دیگر آن‌گونه نیست. این کارگردان با اشاره به شعار جشنواره فیلم فجر مشهد که درباره صرفه‌جویی در مصرف گاز است، می‌گوید: لزومی ندارد که تبلیغات در ارتباط مستقیم با یک رویداد باشد. رسانه فرصتی را برای دیده‌شدن یک موضوع فراهم می‌کند که می‌تواند مفید باشد؛ اما از این شعار به مبتدیانه‌ترین شکل استفاده شده است. امروزه می‌توان برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطب، کارهای ویژه انجام داد. وی با بیان اینکه جشنواره فیلم فجر همیشه در ذهن من حس خوبی داشته و بیانگر یک رقابت حرفه‌ای بوده است، ابراز می‌کند: تعداد زیادی از سینماگران شاخصی که در تهران هستند، مشهدی‌اند و حضورشان در کنار مردم باعث رونق بیشتر جشنواره در تهران شده است؛ اما هم‌زمانی اکران فیلم‌ها باعث شده است که در مشهد حاضر نشوند یا اینکه دعوت نمی‌شوند. چون هزینه زیادی دارد. وقتی اهالی سینما در جشنواره نباشند، رونق جشنواره کم می‌شود. اکنون تعداد خبرنگاران از اهالی سینما بیشتر است و من به چهره تکراری این روزها تبدیل شده‌ام. این کارگردان بیان می‌کند: اگر بخواهیم نیمه خالی لیوان را ببینیم، هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد. اهالی رسانه باید زوایای مثبت جشنواره را نشان دهند تا همین چیزی که هست، ادامه دار باشد. اگر فرصت این رویداد از بین برود، حضور دوباره آن در مشهد بسیار سخت می‌شود، زیرا مسئولیت سنگینی دارد.

● نزدیک شدن مخاطب به سینماگر

علیرضا حسینی موسوی، مدرس فیلم‌نامه‌نویسی، درباره جشنواره فیلم فجر مشهد می‌گوید: فیلم‌های جشنواره امسال خوب بودند و دغدغه موجود در آن‌ها مشخص بود. تغییر ایجاد شده در زمان بندی اکران فیلم‌ها برای من مثبت بود و فرصتی را فراهم کرد تا بتوانم در کنار فیلم‌سازان و منتقدان به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازم؛ اما ممکن است برای مخاطبان عام کمی ادیت‌کننده باشد. او که ساخت ۳۷ فیلم کوتاه و ۳ فیلم بلند را در کارنامه‌اش دارد، بیان می‌کند: جشنواره فیلم فجر برای نزدیک شدن مخاطب به سینماگر است. این موضوع بسیار کم‌دیده می‌شود یا اصلاً نیست. حضور صاحبان آثار موجب می‌شود فیلم برای مخاطب عمومی سینما قابل فهم‌تر شود. حسینی موسوی در پایان بیان می‌کند: مطالبی که در برخی سایت‌ها مطالعه کردم، بیشتر نقد سینماگر بود تا اثر، او باید کمی جدی‌تر به فیلم‌ها نگاه کنیم و منتقدان و اهالی رسانه باید نگاهی موشکافانه‌تر به این موضوع داشته باشند.



● استقبال نه چندان خوب از جشنواره فیلم فجر مشهد

«جشنواره فیلم فجر سال به سال ضعیف‌تر می‌شود و حال و هوای این رویداد مهم ۹ سینما در جشنواره فیلم فجر مشهد فعال بودند که جای تقدیر داشت. درباره کیفیت فیلم‌ها نیز شاید بتوانیم بگوییم ۲۰درصد آن‌ها قابل قبول و مؤثر هستند. ما باید برای سینما ارزش قائل شویم و به آن حساس باشیم؛ زیرا میلیون نفر یک فیلم را می‌بینند.

استقبال نه چندان خوب از جشنواره فیلم فجر مشهد

«جشنواره فیلم فجر سال به سال ضعیف‌تر می‌شود و حال و هوای این رویداد مهم آن‌گونه که باید، دیده نمی‌شود.» این گفته اشکان ضیایی، یکی از کارگردانان مشهوری، است و می‌گوید: فضای جشنواره نسبت به تماشای تفریحی فیلم، بسیار متفاوت است. شاید اطلاع‌رسانی ضعیف موجب استقبال نه چندان خوب مخاطبان باشد. وی تصریح می‌کند: جشنواره فقط به اکران و تماشای فیلم محدود نیست، بلکه به اتفاقاتی که در کنار آن رخ می‌دهد و موجب آگاهی بخشی به علاقه‌مندان سینما می‌شود نیز مربوط است. در این رویداد، آوردن عوامل فیلم و نقد و بررسی، خوب اتفاق نمی‌افتد. ما زمانی که در جشنواره فیلم کوتاه شرکت می‌کردیم، روحمان صیقل می‌خورد، اتفاقی که در این جشنواره هرگز رخ نداده است. مجریان این رویداد سال‌هاست که در حال برگزاری آن هستند و کاری‌تازه نیست که در آن بی‌تجربه باشند. ضیایی می‌گوید: سینما رقیب زیاد پیدا کرده است و شبکه‌های ماهواره‌ای، اجتماعی و سینمایی خانگی، سلیقه مردم را تغییر داده‌اند. قبلاً فضای سینما برای مخاطبان اهمیت داشت و فقط



اینجا چه می‌کنی؟

نگاهی به فیلم «دست ناپیدا» به کارگردانی انسیه‌شاه حسینی



در مناطق جنگی جریان می‌یابد. گذشته این زن و زندگی زن‌اشویی نابود شده‌اش هم در قالب فلش‌بک‌ها و اکاوی می‌شود که همین بخش از فیلم، بیننده را حیران می‌کند. همسر سابق این زن، چنان هیولایی شده‌است که قطعاً دست‌اندرکاران این رویداد باید درباره‌اش توضیح دهند. موضوع فقط ضعف هنری این اثر نیست، بلکه مسئله این است که «دست ناپیدا» با ناشیگری هایش به سینمای دفاع مقدس اهانت می‌کند.

در میان خیل آثار مرتبط با دفاع مقدس که در جشنواره چهل و دوم فیلم فجر حضور دارند، «دست ناپیدا» یک اثر آثار برانگیز به‌شمار می‌رود؛ فیلمی به غایت ضعیف که به سختی می‌توان حتی در ساعت‌های کم‌بیننده تلویزیون، آن را روی آنتن فرستاد. خود فیلم «دست ناپیدا» حاوی هیچ نکته مثبتی نیست، اما حضورش در بخش اصلی مهم‌ترین رویداد سینمای ایران، زنگ خطرهای پرتعدادی را به صدا درمی‌آورد و علامت سؤال‌های مکرر را مقابل چشم مردم و اهالی سینما قرار می‌دهد. «دست ناپیدا» روایتگر قصه‌زن عکاسی است که به جبهه‌ها می‌رود تا پروژه عکاسی‌اش را به نتیجه برساند، اما با گروهی از زنان فعال در پشت جبهه‌ها آشنا می‌شود که مشغول انجام فعالیت‌های حمایتی متعددی هستند و بدین ترتیب از رزمنده‌ها حمایت می‌کنند. در طول روایت اصلی فیلم که



محمد عنبرسوز
منتقد سینما

سهل‌انگارانه عمل کرده است و حتی در انتخاب واژه‌ها هم سهل‌انگار و بی‌دقت نشان می‌دهد. از فیلمی با موضوع دفاع مقدس حرف می‌زنیم که حتی از کلیشه‌های آثار مشابه در دهه ۷۰ هم عقب‌تر است و با دیالوگ‌های شعاری، بیننده را فراری می‌دهد. ضعف اجرا، چه در قاب بندی و چه در بازی‌گرفتن از هنرپیشه‌ها، فیلم را به مرز نابودی کشانده است و جایگاهی را تا سرحد تله فیلم‌های مناسبتی پایین می‌آورد. استفاده اغراق‌شده از موسیقی، دیگر مؤلفه عجیب این فیلم سینمایی است که تقریباً نیمی از آن به نماهنگ می‌گذرد. اگر این موضوع را در کنار زمان حدود هفتاد و پنج دقیقه‌ای فیلم بگذاریم، دشوار خواهد بود که باور کنیم این همه موسیقی و پلان‌های اضافی، با هدفی به جز رساندن زمان اثر به سطح یک فیلم بلند به کار اضافه شده‌اند.



لولاهای به هم پیوستن خرده‌روایت‌ها هم در جای درست خودشان قرار نگرفته‌اند و همه چیز بر اساس اتفاقات نادری که ممکن است هر صد سال یک بار رخ بدهد، پیش می‌رود. استفاده از موقعیت تکراری بازدید یک کاندیدای انتخاباتی از آسایشگاه و عکس‌گرفتن‌های بی‌امانش نشان می‌دهد که فیلم محمدحسین حقیقت تا چه حد در طراحی موقعیت‌ها ناپخته عمل کرده است. «پرواز ۱۷۵» در دیالوگ نویسی هم بسیار

یکی دیگر از محصولات سازمانی حاضر در جشنواره فیلم فجر، «پرواز ۱۷۵» است که می‌تواند جزو بدترین فیلم‌های سال باشد. ساخته محمدحسین حقیقت اثری شعاری با ریتم بسیار کند است که سعی می‌کند با استفاده از الگوهای مندرس دست به دست‌شدن یک انگشتن بین شخصیت‌ها، به جانبازان دفاع مقدس ادای دین کند. قصه فیلم بر اساس زندگی راننده‌ای شکل می‌گیرد که پدر جانبازش را در یک آسایشگاه مخصوص نگهداری از جانبازان بستری می‌کند و به دلیل تحریم دارویی، مجبور می‌شود به تهران برود تا داروهای کمیاب مورد نیاز پدر را از بازار سیاه تهیه کند. این قصه که از جنوب تا تهران و در لوکیشن‌های متنوع امتداد یافته، قرار بوده است بربنمای خرده‌بی‌رنگ شکل بگیرد، اما به قدری درگیر پلان‌های بی‌مورد و اضافی می‌شود که به نظر می‌رسد خود فیلم‌ساز هم خطش را گم کرده باشد. بدبختانه، حتی